

طراحی مدل جریان‌شناسی فرهنگی در ایران امروز؛ با تأکید بر هویت فرهنگی^۱

رمضان شعبانی سارویی*

E-mail: shabani_ramzan@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۲۵

چکیده

این مقاله با رویکردی جدید، به آزمون ارتباط جریان‌شناسی فرهنگی در ایران با هویت فرهنگی پرداخته است. از این‌رو، هدف مقاله، طراحی یک مدل با رویکرد هویت فرهنگی، جهت تبیین و شناخت جریان‌های فرهنگی در جمهوری اسلامی است. روش تحقیق اسنادی پیمایشی بوده که پس از مطالعه اسنادی، و نیز تجزیه و تحلیل منابع کتابخانه‌ای، با نقد یافته‌های ارائه شده براساس تکنیک مصاحبه هدفمند با یکصد نفر از صاحب‌نظران و خبرگان به ارائه مدل جامع جریان‌شناسی فرهنگی در ایران می‌پردازد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین «هویت فرهنگی» و جریان‌شناسی فرهنگی رابطه معناداری با میانگین ۸۷/۳۳ درصد وجود دارد. هم‌چنین مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها و شاخص‌های هدفمند در هویت فرهنگی است که به ادراک جریان‌شناسی فرهنگی در کشور منجر می‌شود.

کلید واژه‌ها: جریان، جریان فرهنگی، جریان‌شناسی فرهنگی، طراحی مدل.

۱. مقاله حاصل رساله دکتری مهندسی سیستم‌های فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین (ع) است.

* پژوهشگر و عضو گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم انتظامی امین، نویسنده مسئول

مقدمه و طرح مسئله

جریان‌شناسی فرهنگی؛ شناخت مجموعه‌ای از کنشگران فرهنگی نظام‌مند و تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی جامعه و یا شناخت منظومه فکری، خاستگاه، رهبران و مجموعه گروه‌های فرهنگی تأثیرگذار در جامعه است. «جریان‌شناسی فرهنگی در زمینه‌های مختلف فردی و اجتماعی کاربردهای فراوانی دارد. جریان‌شناسی فرهنگی در حوزه اجتماعی همانند دیدبان فرهنگی در زمینه‌های مختلف تقنینی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی با رصد و پیش‌بینی جریان‌های فرهنگی، مسئولان حکومتی را در مواجهه با مسائل گوناگون کارآمدتر می‌نماید» (خسروپناه، ۱۳۹۱: پایگاه دیدبان). امروزه «شیوه زیست» جریان‌های فرهنگی، به واسطه تأثیرات روزافزون نفوذ جریان‌های فرهنگی مدرن با چالش‌های فراوانی روبرو شده است. از سوی دیگر نگاه‌ها و رویکردهای جریان‌های فرهنگی، اثر وضعی خود را بر گفتمان دولت‌ها و جریان‌های گوناگون اجتماعی ایران و در نتیجه اولویت‌گذاری سیاست‌ها و برنامه‌های دستگاه‌های کشور برجای گذاشته است. عدم مطالعات نظام‌مند جریان‌شناسی پیامدهای جبران‌ناپذیری را در عرصه فردی و حکومتی بر نظام جمهوری اسلامی تحمیل کرده است. عدم رصد، تبیین، برآورد، تخمین و نحوه مواجهه صحیح با جریان‌های فرهنگی کشور علاوه بر پیامدهای فکری فرهنگی دارای پیامدهای سیاسی امنیتی نیز در کشور بوده است؛ با این توصیف، تبیین دو متغیر جریان‌شناسی فرهنگی و هویت فرهنگی در مناسبات انقلاب اسلامی ضروری به نظر می‌رسد.

سؤالات تحقیق

- ۱- مدل جامع جریان‌شناسی فرهنگی پس از پیروزی انقلاب اسلامی کدام است؟
- ۲- مدل جریان‌شناسی جامع فرهنگی پس از پیروزی انقلاب با چه مفاهیم و ابعاد (مبانی) قابل شناسایی و تعیین است؟
- ۳- مدل جامع جریان‌شناسی فرهنگی پس از انقلاب تابع چه مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی است؟

پیشینه پژوهش

بررسی دو مفهوم جریان‌شناسی فرهنگی و هویت فرهنگی از سوی برخی از اندیشمندان در دستور کار قرار داشته اما سؤال اساسی دیگر این است که مناسبات این دو پدیده در جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تحقیق

کافی در بررسی مناسبات این دو مفهوم انجام نشده است. آشنا و روحانی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی» صرفاً به دو رویکرد هویتی توصیفی که ناظر به حال و گذشته است و رویکرد تجویزی که ناظر به سیاست‌های هویتی است اشاره دارند. شجاعی (۱۳۹۱) در اثرش تحت عنوان «هویت دینی و آموزه‌های چالش برانگیز معاصر» با طرح هویت دینی و آموزه‌های معاصر به عنوان چالش‌های مهم هویت دینی عمدتاً راهکارهای عملی، راهبردهای دینی و برنامه‌های گسترش و تعمیق هویت دینی را مورد توجه قرار داده است. حیدری، اکوانی و کشفی (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان «رسانه‌ها و هویت فرهنگی: مطالعه دانش‌آموزان متوسطه شهر یاسوج» در مورد پیامدهای هویتی رسانه‌ها بر اساس دیدگاه نقش فعال رسانه و مقاومت هویتی با روش پیمایشی، به این نتایج دست یافته‌اند که تلویزیون ملی و استانی در رأس رسانه‌های مورد استفاده پاسخگویان و هویت‌های محلی، ملی و جهانی، به ترتیب، برجسته‌ترین هویت جمعی آنان بوده است.

گروه میرسلیم (۱۳۸۶) در اثری تحت عنوان «جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران (۱۳۵۷-۱۳۸۰)» صرفاً جریان‌های فرهنگی ایران را براساس ایدئولوژی در چهار دوره زمانی پس از انقلاب اسلامی به چهار رویکرد متفاوت عرف‌گرایی (شامل طیف‌های ملت‌گرایی، قوم‌گرایی، نوگرایی و پسانوگرایی) و دین‌گرایی (شامل دو دسته متفاوت تجدد خواهان و معتقدین به رویکرد فقهی مکتبی)، بومی‌گرایی و سنت‌گرایی تقسیم کرده است. رمضان شعبانی (۱۳۸۹) در کتاب «جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی ایران» شیوه مدل‌سازی جریان‌ها در ایران را با الگوی چند عاملی (مؤلفه‌های نقش اجتماعی دین، توجه به سنت و مدرنیته) در دو دوره قبل و پس از پیروزی انقلاب اسلامی مورد توجه قرار داده است. خسروپناه (۱۳۸۹) در اثر خود «جریان‌شناسی فکری ایران معاصر» مبنای دسته‌بندی را سنت و مدرنیته قرار داده است و عقلانیت اسلامی برآمده از جریان اصیل انقلاب را مبنای قضاوت خویش تعیین کرده است. او الگوسازی جریان‌ات ایران را با رویکرد جامعه‌شناختی و براساس دغدغه مدرنیته یا غرب؛ دین و رابطه آن با شرق و نیز علل عقب‌ماندگی جهان اسلام، دسته‌بندی کرده است.

با تأمل در پیشینه تحقیق و بررسی آثار موجود، بیست اثر تولید شده در عرصه جریان‌شناسی پس از انقلاب از سوی محققین در ایران ارائه شده است. این آثار را در هشت حوزه می‌توان دسته‌بندی نمود: در عرصه جریان‌شناسی فرهنگی (۲ اثر)، جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی (۴ اثر)، جریان‌شناسی فکری فرهنگی (۴ اثر)، جریان‌شناسی

فکری (۴ اثر)، جریان‌شناسی سیاسی (۵ اثر)، جریان‌شناسی اقتصادی (۱ اثر)، جریان‌شناسی عمومی (۱ اثر) وجود دارد و در عرصه جریان‌شناسی اجتماعی هیچ اثری یافت نشده است. بر همین اساس مدل‌های موجود جریان‌شناسی فرهنگی مورد مطالعه و بررسی و تبیین اولیه قرار گرفت. با نقد و بررسی آنان، زوایای مختلفی از ظرفیت و کاستی‌های موجود در مدل‌های جریان‌شناسی فرهنگی روشن گردید که در تدوین مدل تحقیق بسیار کارگشا گردید. باید اذعان داشت که عمده محققان جریان‌شناسی در ایران صرفاً به توصیف و تبیین جریان‌های کشور اقدام نمودند. تعداد محدودی از آنان برای شناخت جریان‌های کشور به مدل‌سازی در این عرصه پرداخته‌اند. در بین آثار موجود، آثار نادری وجود دارند که اولاً به توصیف و تحلیل جریان‌های فرهنگی پرداخته، ثانیاً به مدل‌سازی جریان‌شناسی اقدام نموده باشند. آثار تحقیقی آقایان خسروپناه، دارابی، میرسلیم و غمامی از بنیه علمی و کاربردی بیشتری برخوردارند و هر یک به زوایایی از طراحی مدل جریان‌شناسی در ایران پرداخته‌اند. بررسی این پژوهش‌ها نشان دهنده آن است که مناسبات جریان‌شناسی فرهنگی و هویت فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران ناکافی بوده و نیازمند تعریف و پژوهش مستقلی است که مقاله حاضر به آن پرداخته است.

چارچوب نظری

مطالعه مؤلفه‌ها و ابعاد متغیر و ثابت یک پدیده در طول زمان در تمام علوم و اندیشه‌ها اهمیت دارد. زیرا از طریق آن می‌توان به قواعدی برای فهم محیط دست یافت. هدف اصلی این‌گونه از مطالعات ایجاد تمایز و ارتباط است. برای نمونه فهم جریان در نگاه دینی برای جدا کردن حق از باطل یا ایجاد وحدت میان مسلمانان است. هر حوزه‌ای از دانش با عنوان خاصی تلاش می‌کند تا این مهم را محقق سازد. جریان‌شناسی نیز عنوانی است که در حوزه سیاست و فرهنگ در ایران شکل گرفت. ادبیات جریان‌شناسی در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط رهبران انقلاب اسلامی رایج گردید و در ادبیات گفتمانی، یکی از واژه‌ها و مفاهیم پرکاربرد اما پیچیده بوده است. چنان‌که رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بارها از اهمیت شناختن جریان‌ها سخن گفته‌اند. در بیان رهبر انقلاب اسلامی اشاره دارند که: «جریان‌شناسی و تحلیل مسائل سیاسی جزو معرفت دینی است» (پایگاه دیدبان، ۱۳۹۱). شناخت دوست و دشمن، ترسیم چشم‌انداز آینده و فهم اصول آنها اهدافی است که از نظر ایشان از طریق جریان‌شناسی محقق می‌شود. هدف اصلی جریان‌شناسی ایجاد تمایز

و ایجاد ارتباط (شناخت حق از باطل یا شناخت خودی از غیرخودی) است. منشأ جریان‌شناسی به حوزه معرفتی انقلاب اسلامی باز می‌گردد (غمامی، ۱۳۹۱: ۲).

با این لحاظ اگر جامعه را با الگوی جامعه‌شناسانی همچون پارسونز به چهار حوزه دسته‌بندی نماییم، نمودهای عینی جریان در یکی از عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی رخ می‌دهد. بر مبنای این الگو، جریان‌شناسی دارای چهار حوزه اصلی است که هر حوزه نیز دارای مخاطبان خاصی است.

طراحی مدل جریان‌شناسی فرهنگی این امکان را می‌دهد که در هر لحظه بدانیم که کجای این رشته قرار داریم و از مسیر خود منحرف نشویم. هم‌چنین مدل‌سازی جریان‌شناسی توانمندی ما را در شناخت شباهت‌ها و تمایزات جریان‌های فرهنگی ارتقاء داده و با توصیف، تبیین و برآورد مناسب از جریان‌های فرهنگی کشور، نحوه مواجهه و موضع فعال ما را در عرصه سیاست‌گذاری و نیز تحلیل روند و آینده پژوهی جریان‌های فرهنگی تعیین خواهد کرد.

با این شرح، برای شناسایی جریان‌های فرهنگی در ایران ابتدا نیازمندیم ساختار و مدلی را مشخص نموده و سپس طبق آن ساختار و مدل، همه جریان‌های موجود را دسته‌بندی و آنگاه تبیین و تشریح کنیم. برای ساختن مدل دو روش فرضی - استقرایی و روش فرضی قیاسی وجود دارد که محقق از روش دوم بهره گرفته است در این روش، مدل «بر مبنای یک اصل موضوع یا یک مفهوم کلی که به‌عنوان پیش‌فرض تفسیر پدیده موضوع تحقیق انتخاب شده است، آغاز می‌شود. این مدل با استدلال منطقی، فرضیه‌ها، مفاهیم و شاخص‌ها را می‌سازد که داده‌های مشاهده باید آنها را تأیید کند» (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۶: ۱۵۰).

شکل شماره ۱: پایه‌های نظری مدل، (اقتباس از نظریه کیوی و کامپنهود)



در طراحی مدل جریان‌شناسی فرهنگی، «هویت فرهنگی» به عنوان متغیر اصلی مدل در پایه نظری پژوهش تعیین گردید. هویت فرهنگی دو کارکرد بسیار منسجم و مرتبط دارد، که از یک سو به هویت فردی و از سوی دیگر به هویت اجتماعی مربوط می‌شود. از طریق هویت فرهنگی است، که فرد می‌تواند ویژگی‌های منحصر به فرد خود را میان گروه‌هایی که بدان تعلق دارد، ابراز کند و حتی در مقابل گروه‌های دیگر نیز راجع به تعلقات گروهی خود سخن بگوید. لذا افراد ارزش‌ها، افکار و اعمالشان را به‌عنوان ابزاری برای حفظ و توسعه هویت فردی خود بکار برده، از این طریق می‌توانند خود و رابطه خود را با دیگران تعیین و تعریف کنند. در این پژوهش هویت فرهنگی با شاخص‌های اسلامیت، ایرانیت، مدرنیته و خرده‌فرهنگ‌ها، تعیین گردیدند. در حقیقت هویت فرهنگی ایرانی متنوع اما دین محور است. «در این رویکرد هویت اسلامی یعنی مرکزیت نظری و عملی نظام و بینش معرفتی اسلام در هویت فرهنگی ایرانیان که بر پایه تحلیلی تاریخی با هسته سخت آن که هویت شیعی است، گره می‌خورد، لذا هویت اسلامی و شیعی در هویت فرهنگی ایرانیان دو روی یک سکه قلمداد می‌شوند. بدین معنا مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مذهب شیعه از پنج قرن گذشته تاکنون حیات و روح ایرانی را در عمیق‌ترین زوایا تحت تأثیر و راهبری خود قرار داده است» (نجفی، ۱۳۸۵: ۳۷).

در طراحی مدل جریان‌شناسی فرهنگی، «هویت فرهنگی» به عنوان مفهوم اصلی مدل در پایه نظری پژوهش تعیین گردید. برای طراحی مدل، سه متغیر «بینشی، گرایشی و کنشی» به عنوان سه بعد اصلی «هویت فرهنگی» در نظر گرفته شده است. در ترسیم مؤلفه‌های ابعاد سه‌گانه «بینشی، گرایشی و کنشی» هویت فرهنگی، نه مؤلفه شامل هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی (مؤلفه‌های بینشی) و شریعت و معنویت، اسلامیت و ایرانیت، مدرنیته و سنت (مؤلفه‌های گرایشی) و تهاجم فرهنگی، غیریت‌سازی، نظام جمهوری اسلامی (مؤلفه‌های کنشی) مورد توجه قرار گرفت و برای هر یک از مؤلفه‌های سه‌گانه مدل، شاخص‌هایی برای تکمیل نهایی مدل جامع تعیین گردید و در انتها مدل مفهومی (نظری) تحقیق طراحی گردید.

الف) بعد بینشی: منظور از بعد بینشی، شناسایی بعد فلسفی جریان‌شناسی فرهنگی است. این مبانی پایه و اساس بعد تحلیلی و بعد کارکردی است. و در واقع پایه شناختی جهت‌گیری را نشان می‌دهد. سه مؤلفه مهم در بعد بینشی جریان‌شناسی فرهنگی عبارتند از:

۱- مؤلفه هستی‌شناسی: مؤلفه هستی‌شناسی یا وجودشناسی به مطالعه بودن هستی یا وجود می‌پردازد. دانش هستی‌شناسی در پی تشخیص و شرح رده‌های بنیادین و ارتباطات آنها در هستی یا عالم بر می‌آید، تا بدین وسیله به تعریف موجودات و انواع آنها در آن چارچوب قادر گردد. از این‌رو نگاه جریان‌های فرهنگی به هستی در این علم جای می‌گیرد که عمدتاً در نگاه به انسان و عقلانیت او، فرد و جامعه و... خلاصه می‌گردد (قائم‌نیا و موسوی ثمرین، ۱۳۹۰: ۸).

۲- مؤلفه معرفت‌شناسی: معرفت‌شناسی یا شناخت‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه است که به‌عنوان نظریه چپستی معرفت و راه‌های حصول آن تعریف می‌شود. معرفت‌شناسی شناخت انواع معرفت انسانی، مبادی، ابزار و ملاک ارزشیابی آن است (معلمی، ۱۳۸۹: ۱۸). و پرسش از وجود واقعیت، امکان دستیابی به آن، ارزش آن و... در این علم جای می‌گیرد که هر جریان فرهنگی نیز در این بررسی باید به برخی از سؤالات اساسی معرفت‌شناسی پاسخ دهد (قائم‌نیا و موسوی ثمرین، ۱۳۹۰: ۸).

۳- مؤلفه انسان‌شناختی: انسان‌شناسی عنوان عامی است که هرگونه شناخت انسان را از حیث فلسفی، عرفانی، اخلاقی و علمی (تجربی) شامل می‌شود (خسروپناه، ۱۳۹۲: ۴۶). نوع نگاه به انسان و شناخت او در اخذ تصمیمات، بسیار حائز اهمیت است. انسان مادی، تصمیمات مادی‌گرایانه را در اولویت قرار می‌دهد. انسان زاهد و آخرت‌گرا، تصمیماتش بر محور آخرت‌گرایی است؛ ولی فردی که انسان را ذو ابعاد می‌داند و نگاهی جامعی دارد، تصمیمات جامع‌اخذ می‌کند (اسکندری، ۱۳۸۶: ۱۵).

ب) بعد گرایشی: منظور از این بعد، مطلوبیت و مفید بودن پاره‌ای از امور زندگی انسانی دارد، در حقیقت بار معنایی خاص که انسان به برخی از اعمال، پاره‌ای از حالات‌ها و بعضی از پدیده‌ها نسبت می‌دهد و برای آن در زندگی خود جایگاه خاصی قائل است. بعد تحلیلی یا گرایشی هر جریان اشاره به متغیرهایی دارد که جریان‌های فرهنگی با توجه به آنها و نحوه تأثیر و تأثر هر یک در عمل فرهنگی، نتایج سیاستگذاری خود را ارائه می‌کند. لذا، این بعد از یک طرف پایه در ریشه‌های فلسفی و بعد شناختی دارند و از طرف دیگر پایه و اساس خط مشی‌ها و سیاستگذاری‌های هر یک از جریان‌ها هستند. در حقیقت بعد تحلیلی، پایه ارزشی است که خوب‌ها و بد‌ها را نشان می‌دهد. سه مؤلفه مهم در بعد گرایشی جریان‌شناسی فرهنگی عبارتند از:

۱- مؤلفه شریعت و معنویت: با توجه به نقش تاریخی دین در ایران و جایگاه آن در ساختار نظام جمهوری اسلامی، و توجه به عنصر مذهب در اداره کشور و نیز رویکرد

برخی جریان‌های فرهنگی نسبت به دین در حد پاسخگویی به عرصه فردی و معنوی، جریان‌های فرهنگی پاسخ‌های متفاوت به این مناسبات می‌دهند.

۲- **مؤلفه اسلامیت و ایرانیت:** از مسائل اساسی تعیین‌کننده در فراروی جریان‌های فرهنگی ایران، مناسبات آنان با مسئله اسلامیت و ایرانیت است که برآیند مواجهه آنان با این دو مؤلفه، در طیفی از پذیرش، امتناع و تعامل آنها قابل توجه است.

۳- **مؤلفه مدرنیته و سنت:** با توجه به دغدغه گروه‌ها و جریان‌های فرهنگی نسبت به رابطه مدرنیته و سنت، در پرسش نسبت خود با آنها، آنان را در شرایط متفاوتی قرار می‌دهد.

ج) بعد کنشی: منظور از بعد کنشی، پایه‌های اقدامی است که رفتار ویژه‌ای را نشان می‌دهد. در این بخش، راهکار هر جریان نسبت به مسائل و مشکلات مختلف فرهنگی ارائه می‌گردد. با توجه به این که هر جریان فکری اهداف آرمانی خاصی دارد، باید راهکارهاشان برای حصول به آن اهداف را بررسی نمود. معمولاً هر جریان از پشت عینک خود، مسائل فرهنگی را تحلیل می‌کند، سیاست‌های ارائه شده در بعد کنشی معطوف به همان جریان می‌باشد. سه مؤلفه مهم در بعد کنشی جریان‌شناسی فرهنگی عبارتند از:

۱- **مؤلفه تهاجم فرهنگی:** تهاجم فرهنگی، فرآیند نظام مند و هدف‌دار تزریق ویروس‌های فکری، اخلاقی، و رفتاری از سوی نظام سلطه است که به منظور آلوده‌سازی، ایجاد مسمومیت و منفعل‌سازی جامعه مورد نظر و در نهایت ایجاد، تداوم و گسترش سلطه فرهنگی در گروه یا جامعه هدف صورت می‌گیرد (قربانی گلشن‌آباد، ۱۳۹۰: ۱۴).

۲- **مؤلفه غیریت‌سازی:** در تعریفی هویت را به معنای وجه تمایز اعضای یک جامعه از دیگران و تفکیک‌کننده «من» و «ما» از «غیر» و «دیگری» به کار برده‌اند. در این دسته از تعاریف، خودآگاهی از «هستی ما» با آگاهی از «هستی دیگران» همراه است و «ما» و «دیگران» دو روی یک سکه محسوب می‌شود که بودن یکی، بدون دیگری معنا ندارد. نکته اساسی در اینجا به رابطه و نسبت میان ما و آنها، درون‌گروه و برون‌گروه یا خودی و غریبه مربوط می‌گردد. در این معنا هویت جمعی زمانی قابل تشخیص است که به مفهوم دیگری و آنها رجوع نماید، بنابراین مفهوم غیریت در بحث هویت ملی شرایطی را فراهم می‌سازد تا افراد، نمادهای برجسته‌کننده هویت ملی را با حساسیت بیشتری تعقیب نمایند (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۸).

۳- **مؤلفه نظام جمهوری اسلامی:** نظامی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی با الگوی نوین جمهوری اسلامی شکل گرفت. از ویژگی‌های این نظام، پذیرش جمهوریت

به‌عنوان سمبل رأی مردم و نیز اسلامیت به‌عنوان نماد ارزش‌های اسلامی در ایران است که از شاخص‌های اسلامیت نظام، نهادینه شدن جایگاه ولایت امر در ساختار قانون اساسی به‌عنوان بالاترین مقام رسمی کشور است. در طول بیش از سه دهه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای عهده‌دار جایگاه ولایت فقیه در ساختار سیاسی نظام جمهوری اسلامی بوده‌اند.

چارچوب مفهومی

۱- **فرهنگ:** در تعریف ارائه شده از سوی شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرهنگ عبارتند از: نظام‌واره‌ای است از باورها و مفروضات اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات که ادراکات، رفتار و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهد و هویت آن را می‌سازد (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۲).

۲- **جریان‌شناسی فرهنگی:** شناخت مجموعه‌ای از کنش‌گران فرهنگی نظام‌مند و تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی جامعه و یا شناخت منظومه فکری، خاستگاه، رهبران و مجموعه گروه‌های فرهنگی تأثیرگذار در جامعه است.

۳- **هویت فرهنگی:** هویت فرهنگی احساس هویت یک گروه، و یا فردی است که تحت نفوذ یک فرهنگ باشد و به آن تعلق پیدا کند. هم‌چنین هسته مرکزی شخصیت فردی و جمعی بوده که در عین حفظ ویژگی‌های خویش، یک جامعه را در دستیابی به توسعه و پیشرفت توانا می‌سازد.

۴- **مدل:** مجموعه‌ای از مفاهیم و فرضیه‌هایی که ارتباط تنگاتنگی با هم داشته و مجموعاً با چارچوب تحلیلی منسجم خود ضمن نشان دهنده کلیت یک سیستم، الگو براساس آن بازسازی می‌گردد. در این تحقیق مدل در راستای موضوع تحقیق، یعنی «جریان‌شناسی فرهنگی ایران» بازسازی می‌گردد.

۵- **طراحی مدل جریان‌شناسی فرهنگی ایران:** مراد از «طراحی مدل جریان‌شناسی فرهنگی ایران»، ترسیم ملموس چارچوب تحلیلی جریان‌های فرهنگی کشور است به نحوی که نقشه راهنمای شناخت جریان‌های فرهنگی ایران و روشن‌گر تمایزات آنان از یکدیگر باشد.

روش تحقیق

از نظر روش‌شناسی، این پژوهش در زمینه مطالعات توصیفی تحلیلی می‌باشد که در

صدد توصیف و تبیین رابطه جریان شناسی فرهنگی با هویت فرهنگی است. روش تحقیق، اسنادی پیمایشی است. در این راستا، با بررسی ادبیات موضوع و تحقیقات تجربی انجام شده و مصاحبه هدفمند با یکصد نفر از خبرگان و مدیران جریان‌شناس فرهنگی در ایران، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل شناسایی شده و پرسش‌نامه‌ای با ۳۶ سؤال و شاخص طراحی شده است. از نرم‌افزارهای SPSS و LISREL در راستای تبیین اجزای مدل و روابط بین آنها استفاده شده است. تعداد نمونه براساس فرمول مربوطه ۱۰۶ بوده است که تعداد ۲۰۰ پرسشنامه در سراسر کشور بین خبرگان و مدیران جریان‌شناس توزیع شد که تعداد پرسشنامه‌های عودت داده شده قابل استفاده در تحلیل ۱۰۰ پرسشنامه بوده است.

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی

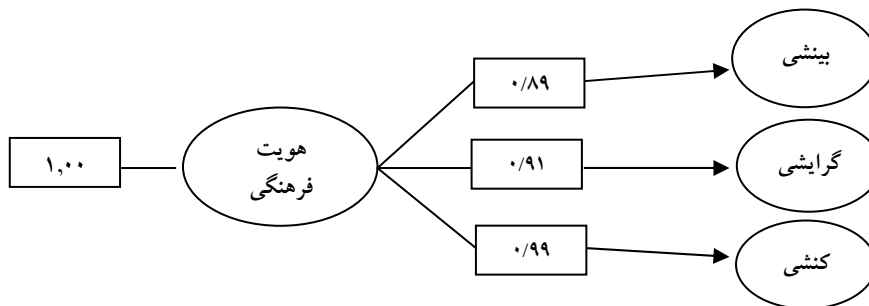
جمع بندی ویژگی‌های افراد مورد پژوهش نشان داد که از مجموع ۱۰۰ پرسشنامه گردآوری شده ۳٪ پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی، ۲۳٪ کارشناسی ارشد، ۲۵٪ دانشجوی دکتری و ۴۹٪ دارای مدرک دکتری بوده‌اند.

در بررسی سابقه فعالیت اجرایی در زمینه جریان‌شناسی نیز ۳/۲٪ از پاسخگویان سابقه فعالیت مرتبط با جریان‌شناسی ندارند و ۱٪ آنها ۱ تا ۴ سال سابقه، ۴٪ بین ۵ تا ۹ سال، ۱۹٪ ۱۰ تا ۱۴ سال، ۲۱ درصد ۱۵ تا ۱۹ سال، ۳۹ درصد ۲۰ تا ۲۹ سال و ۱۳ درصد بالای ۳۰ سال سابقه فعالیت اجرایی در زمینه جریان‌شناسی داشته‌اند.

ب) یافته‌های تحلیلی تحقیق

۱- تأیید مدل پیشنهادی جریان‌شناسی فرهنگی در ایران

هدف اصلی در این تحقیق دستیابی به مدل اعتبار یافته جریان‌شناسی فرهنگی در ایران بود. آزمون مدل مفهومی پژوهش و شاخص‌های آماری مورد محاسبه از جمله ضریب آلفای کرونباخ بیانگر آن است که داده‌های گردآوری شده از پاسخگویان نمونه با مدل مفهومی تحقیق سازگاری و تناسب لازم را دارد. از طرف دیگر بررسی اجزای مدل از طریق تحلیل عاملی تأییدی نشان داد هر یک از مؤلفه‌های مدل بر متغیر جریان‌شناسی فرهنگی تأثیرگذار هستند.

نمودار شماره ۱: مقادیر t در تحلیل عاملی تأییدی مدل جریان‌شناسی فرهنگی

هم چنین نظر پاسخگویان حاکی از آن است که مفهوم هویت فرهنگی بر روی هر سه بعد بینشی، گرایشی و کنشی بار عاملی بزرگی دارد و به ترتیب ۷۹ درصد از واریانس بعد بینشی، ۸۳ درصد از واریانس بعد گرایشی و ۱۰۰ درصد از واریانس بعد کنشی را بیان می‌کند.

جدول شماره ۱: بار عاملی استاندارد و مجذور همبستگی مؤلفه‌های هویت فرهنگی

مجدور بار عاملی استاندارد شده (R2)	بار عاملی استاندارد شده	ابعاد	هویت فرهنگی
۰/۷۹	۰/۸۹	بینشی	
۰/۸۳	۰/۹۱	گرایشی	
۱	۰/۹۹	کنشی	

بر همین اساس و با توجه به مدل مفهومی تأیید شده، تأیید مؤلفه‌های مدل به‌عنوان نتایج به دست آمده ارائه می‌شود:

۲- تأیید روایی سازه و پایایی بعد بینشی

نتایج حاصل از شاخص آماری آلفای کرنباخ نشان داد شاخص‌های مربوط به بعد بینشی دارای ارتباط و همبستگی لازم با یکدیگر بوده و این بعد را با درصد خوبی تأیید کردند. بعد بینشی با میانگین رتبه ۶/۵۰۲۵ برای هویت فرهنگی دارای اهمیت کمتری نسبت به بعد گرایشی می‌باشد و بعد بینشی و کنشی در اولویت‌های مساوی قرار دارند. از نظر پاسخگویان در بعد بینشی، هر سه مؤلفه هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و

انسان‌شناختی بار عاملی بزرگی دارند و به ترتیب، ۰/۸۰، ۰/۶۰ و ۰/۷۳ از واریانس این مؤلفه‌ها توسط بعد بینشی بیان می‌شود. به این ترتیب، به نظر می‌رسد هر سه مؤلفه، نشانگرهای خوبی برای مؤلفه بینشی هستند.

۳- تأیید روایی سازه و پایایی بعد گرایشی

نتایج حاصل از شاخص آماری آلفای کرنباخ نشان داد شاخص‌های مربوط به بعد گرایشی دارای ارتباط و همبستگی لازم با یکدیگر بوده و در مجموع این بعد را با درصد بالایی تأیید کردند. بعد گرایشی با میانگین رتبه ۶/۵۰۴۱ برای هویت فرهنگی دارای اهمیت بیشتری نسبت به بقیه ابعاد می‌باشد و بعد بینشی و کنشی در اولویت‌های بعدی قرار دارند. از نظر پاسخگویان در مؤلفه گرایشی هر سه مؤلفه شریعت و معنویت، اسلامیت و ایرانیت، مدرنیته و سنت، بار عاملی بزرگ دارند و به ترتیب، ۰/۷۷، ۰/۷۱ و ۰/۷۷ از واریانس این مؤلفه‌ها توسط بعد گرایشی بیان می‌شود. بنابراین هر سه مؤلفه نشانگرهای خوبی برای بعد گرایشی هستند.

۴- تأیید روایی سازه و پایایی بعد کنشی

نتایج حاصل از شاخص آماری آلفای کرنباخ نشان داد شاخص‌های مربوط به بعد کنشی دارای ارتباط و همبستگی لازم با یکدیگر بوده و در مجموع این بعد را با درصد خوبی تأیید کردند. بعد کنشی با میانگین رتبه ۶/۵۰۲۵ برای هویت فرهنگی دارای اهمیت کمتری نسبت به بعد گرایشی می‌باشد و بعد بینشی و کنشی در اولویت‌های مساوی قرار دارند. از نظر پاسخگویان در مؤلفه کنشی، به جز مؤلفه غیریت‌سازی که بار عاملی نسبتاً کوچکتری نسبت به دو مؤلفه تهاجم فرهنگی و نظام جمهوری اسلامی دارد، دو مؤلفه دیگر نشانگرهای به نسبت خوبی برای بعد کنشی هستند و به ترتیب، ۰/۵۷ و ۰/۶۶ از واریانس مؤلفه تهاجم فرهنگی و نظام جمهوری اسلامی، توسط بعد کنشی بیان می‌شود.

برخی دیگر از نتایج تحقیق به شرح ذیل است:

الف) در این پژوهش در مرحله اول تلاش شد، مفاهیم، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های جریان‌شناسی فرهنگی در ایران را شناسایی نموده و سپس با استفاده از روش پیمایشی و با بهره‌گیری از تکنیک مصاحبه هدفمند، مدل و نتایجی ارائه گردد که با کمک آن بتوان برای شناخت جریان‌های گوناگون فرهنگی در ایران برنامه‌ریزی و اقدام کرد.

ب) در ادبیات موضوع آشکار شد، بیست اثر در حوزه جریان‌شناسی از سوی محققین در ایران ارائه شده است. مروری بر این پژوهش‌ها نشان می‌دهد دسته‌ای مبتنی

بر مطالعات علمی پژوهشی بوده و دسته دیگر مطالعات مروری است که هر دسته ابعاد مثبتی دارند و در روشن کردن جنبه‌هایی از جریان‌شناسی در ایران مفید بوده‌اند. (ج) یافته‌های تحقیق آشکار ساخت که مفهوم هویت فرهنگی با میانگین ۸۷/۳۳ درصد بر روی هر سه بعد بینشی، گرایشی و کنشی بار عاملی بزرگی دارد. (د) نتایج پژوهش نشان داد که در بین ابعاد مدل جریان‌شناسی فرهنگی، بعد گرایشی با میانگین رتبه ۶/۵۰۴۱ دارای اهمیت و رتبه بالاتری نسبت به دو بعد بینشی و کنشی بوده است.

جدول شماره ۲: رتبه‌بندی ابعاد مدل جریان‌شناسی فرهنگی

ردیف	ابعاد	میانگین رتبه	رتبه
۱	بینشی	۶/۵۰۲۵	۲
۲	گرایشی	۶/۵۰۴۱	۱
۳	کنشی	۶/۵۰۲۵	۲

ه) با توجه به یافته‌های تحقیق مشخص شد که مؤلفه‌های نه‌گانه مدل جریان‌شناسی فرهنگی همگی با میانگین رتبه ۲/۵۰۲۵ دارای ضریب اهمیت و رتبه یکسانی (بجز مؤلفه تهاجم فرهنگی با رتبه ۲/۵ درصد، در درجه اهمیت و رتبه دوم قرار دارد) می‌باشند.

جدول شماره ۳: رتبه‌بندی مؤلفه‌های مدل جریان‌شناسی فرهنگی

ردیف	مؤلفه	میانگین رتبه	رتبه
۱	هستی‌شناختی	۲/۵۰۲۵	۱
۲	معرفت‌شناختی	۲/۵۰۲۵	۱
۳	انسان‌شناختی	۲/۵۰۲۵	۱
۴	شریعت و معنویت	۲/۵۰۲۵	۱
۵	اسلامیت و ایرانیت	۲/۵۰۲۵	۱
۶	مدرنیته و سنت	۲/۵۰۲۵	۱
۷	تهاجم فرهنگی	۲/۵	۲
۸	غیرت‌سازی	۲/۵۰۲۵	۱
۹	نظام جمهوری اسلامی	۲/۵۰۲۵	۱

قلمرو تحقیق و تکنیک گردآوری اطلاعات

مقطع زمانی این تحقیق، از سال ۱۳۵۷ تا سال ۱۳۹۱ یعنی دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی را شامل می‌گردد. اما مدل طراحی شده قابل تعمیم و تسری در همه مقاطع انقلاب اسلامی است. روش گردآوری اطلاعات پیمایشی و کتابخانه‌ای بوده، که تکنیک گردآوری اطلاعات، فیش‌برداری به همراه استفاده از ابزار مصاحبه با خبرگان است.

حوزه تحقیق، جامعه آماری و حجم نمونه

این تحقیق در حوزه جریان‌شناسی فرهنگی و در سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۲ انجام شده است. جامعه آماری در این تحقیق از صاحب‌نظران در دو بخش استفاده شده است: ۱- اساتید و محققانی که دارای مقالات یا تألیفات علمی - پژوهشی درخصوص جریان‌های فرهنگی بوده یا به تدریس آن مبادرت می‌ورزند. ۲- خبرگان و صاحب‌نظران فرهنگی که در زمینه جریان‌شناسی فرهنگی فعالیت داشته و دارای مسئولیت در رده‌های مدیریتی با سابقه حداقل ۲۰ سال می‌باشند. جامعه آماری این تحقیق محققان و مدیران فرهنگی صاحب‌نظر در جریان‌شناسی بود.

حجم نمونه در این پژوهش تعداد ۱۰۶ نفر از خبرگان و صاحب‌نظران در حوزه جریان‌شناسی فرهنگی می‌باشد که به شیوه نمونه‌گیری غیرتصادفی و با انتخاب هدفمند نمونه‌ها از اساتید دانشگاه‌ها و حوزه‌ها انتخاب شده که پس از بررسی نمونه‌ها ۱۰۰ نمونه انتخاب گردید. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه گردید. فهرستی از اساتید و مؤلفان و نیز کارشناسان و مدیران فرهنگی آماده شد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، براساس میزان همکاری این افراد در سطح دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و دستگاه‌های فرهنگی و... حدود شش ماه برای دریافت نظرات آنها از طریق حضوری و غیرحضوری با مصاحبه نیمه ساختار یافته و پرسشنامه پژوهشگر ساخته، به تعداد ۲۵۰ پرسشنامه ارسال که تعداد ۱۲۰ پرسشنامه توسط مؤلفان و کارشناسان جریان‌شناس تکمیل شد و داده‌های حاصل از اطلاعات آنها مورد بررسی قرار گرفت. پس از ریزش پرسشنامه‌های ناقص، تعداد ۱۰۰ نمونه تجزیه و تحلیل شد.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها عبارتند از: آماره آزمون ضریب لاشه برای تعیین روایی ابزار تحقیق؛ آزمون آلفای کرونباخ برای پایایی ابزار تحقیق؛ آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی مؤلفه‌ها و شاخص‌های تحقیق؛ آزمون تحلیل عاملی برای اطمینان از قابل‌توجه بودن عامل‌یابی و کفایت نمونه‌گیری است.

خلاصه و نتیجه‌گیری

۱- در این تحقیق نظریات و مدل‌های مختلفی از صاحب‌نظران جریان‌شناسی در ایران مورد بررسی و واکاوی قرار گرفت. با توجه به نظر رهبری انقلاب اسلامی که جریان‌شناسی ریشه در معرفت دینی دارد، با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی، انقلابی و ملی‌کشور، مناسب‌ترین مدل که جنبه علمی کاربردی داشته باشد، شناسایی و نقد مدل‌های موجود جریان‌شناسی و بهره‌گیری از طراحی‌های آنان در ترسیم بخشی از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های جریان‌شناسی اقدام گردید. بدین ترتیب، با نگرش معرفت‌اسلامی و رویکرد علمی مدل جریان‌شناسی فرهنگی در ایران تدوین شده است.

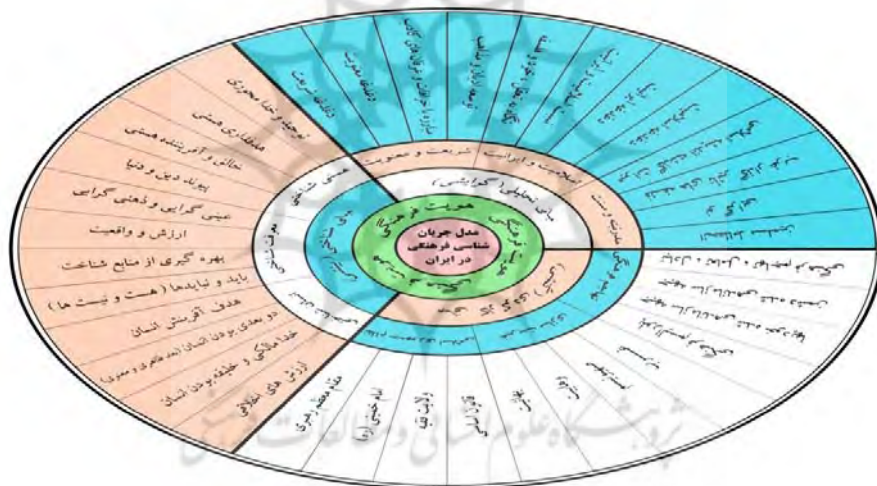
۲- در طراحی مدل جامع جریان‌شناسی فرهنگی در ایران امروز باید اشاره کرد که این مدل باید جامع، مرتبط، منسجم و موجه و سازگار با رویکرد فرهنگی و منطبق با مبانی، اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی باشد. بر این اساس با رویکرد مدل ساختاری، مفهوم «هویت فرهنگی» به دلایلی مانند: برخورداری از ویژگی رویکرد فرهنگی، ملاک هویتی وحدت در کثرت فرهنگی و سازگار با هویت فرهنگی ایرانیان (عنصر خودی در هویت فرهنگی)، ملاک تمایز بخش و مقسم جریان‌های فرهنگی کشور (عنصر غیریت در هویت فرهنگی) منطبق و سازگار با مبانی، اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی انتخاب گردید.

۳- این پژوهش از نوع اکتشافی است که با هدف دستیابی به مدل جریان‌شناسی فرهنگی در ایران انجام شد. در مرحله اول با بهره‌گیری از ادبیات تحقیق، چارچوب نظری مدل، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های آن تدوین گردید. در مرحله دوم، مدل جریان‌شناسی فرهنگی تدوین شده با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته توسط خبرگان جریان‌شناس و صاحب‌نظران و مدیران فرهنگی در حوزه جریان‌شناسی فرهنگی کشور در بین اساتید دانشگاه‌ها و حوزه‌ها و مدیران فرهنگی دستگاه‌های فرهنگی کشور مورد ارزیابی قرار گرفت. در مرحله سوم براساس روش پیمایشی نظرات تعداد یکصد تن از جریان‌شناسان و مدیران فرهنگی اخذ و مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل جریان‌شناسی فرهنگی در کشور استخراج گردید. پس از ترسیم مدل مفهومی تحقیق، این مدل در معرض ارزشیابی صاحب‌نظران قرار گرفت. تحلیل و توصیف نتایج تحقیق نشان داد مدل جریان‌شناسی فرهنگی با مؤلفه‌ها و شاخص‌های تدوین شده مورد تأیید متخصصان قرار گرفت. براساس تجربیات عملی، جمع‌بندی از تحقیقات انجام شده و نظر خبرگان، همه اجزای مدل با ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در یک مجموعه نظام‌مند

به‌عنوان حلقه‌های تشکیل دهنده، در هم تنیده و به هم پیوسته مدل جامع جریان‌شناسی فرهنگی در ایران ارائه گردید.

۴- در این مدل، سه متغیر «بینشی، گرایشی، و کنشی» به‌عنوان سه بعد اصلی این تحقیق مبنا قرار گرفت. در ترسیم مؤلفه‌های ابعاد سه‌گانه هویت فرهنگی نه مؤلفه شامل هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و انسان‌شناختی (مؤلفه‌های بینشی) و شریعت و معنویت؛ اسلامیت و ایرانیت؛ مدرنیته و سنت (مؤلفه‌های گرایشی) تهاجم فرهنگی؛ غیریت‌سازی؛ نظام جمهوری اسلامی (مؤلفه‌های کنشی) مشخص شدند. شاخص‌های چهارگانه برای هر یک از مؤلفه‌های نه‌گانه در مجموع ۳۶ شاخص پدیدار کرد که براساس تجربیات عملی، جمع‌بندی از تحقیقات انجام شده و نظر خبرگان مرتبط جمع‌آوری گردید که همه اجزای مدل را با ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌ها در یک مجموعه نظام‌مند به‌عنوان حلقه‌های تشکیل دهنده، در هم تنیده و به هم پیوسته جریان‌شناسی فرهنگی در ایران ارائه گردید. نتایج تحقیق حاکی از آن است که «هویت فرهنگی» به‌عنوان مفهوم پایه مدل جریان‌شناسی فرهنگی با سه بعد «بینشی، گرایشی و کنشی» و مؤلفه‌های نه‌گانه آن مورد تأیید خبرگان و صاحب‌نظران جریان‌شناسی کشور قرار گرفت. مدل نهایی پژوهش در شکل (۲) ارائه شده است:

شکل شماره ۲: مدل نهایی جریان‌شناسی فرهنگی ایران



پیشنهادات کاربردی و پژوهشی

الف) پیشنهادات کاربردی

* تبیین جریان‌های فرهنگی و مدل ارائه شده در این پژوهش می‌تواند کمک خوبی برای ارتقای شناخت مدیران و کارشناسان دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی در حوزه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی جریان‌های فرهنگی کشور باشد.

* ایجاد پژوهشکده‌های حقیقی و مجازی پیرامون جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی و امثالهم از سوی نهادها و دستگاه‌های سیاسی فرهنگی کشور به منظور توسعه تولید ادبیات در زمینه مرتبط.

* ارتقا پیمایش و معرفت نسبت به جریان‌های سیاسی - فرهنگی ایران با مطالعات گسترده نظری توسط هسته‌ها و گروه‌های فکری در سطح استان‌ها پیرامون ریشه‌ها، ماهیت، مبانی فکری، مؤسسان و رهبران، طیف‌ها و جناح‌ها، عملکردها و مواضع، ارزیابی و پیامدهای جریان‌ها.

* تعیین واحد درسی خاصی با عنوان «جریان‌شناسی پس از انقلاب اسلامی» در مراکز علمی و آموزشی، دوره‌های ارتقای توانمندی علمی بصیرتی مدیران و کارشناسان فرهنگی در نظر گرفته شود، تا با افزایش اطلاعات مؤثر و به روز از وضعیت جریان‌های سیاسی فرهنگی کشور، آنان را در تشخیص، تصمیم‌گیری صحیح و تعامل مناسب و به موقع در مواجهه با جریان‌های گوناگون یاری نمایند.

* ارتقاء آگاهی از دیدگاه‌ها و مواضع لایه‌های ذیل جریان‌های کشور شامل طیف‌ها، رهبران و رجال و شخصیت‌های وابسته به جریان‌های ایران علی‌الخصوص طیف‌ها و چهره‌هایی که زاویه و فاصله با انقلاب و نظام اسلامی دارند برای مدیران و کارشناسان فرهنگی، اجتماعی و دفاعی کشور.

* برگزاری کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی تربیت مدرس و مربی جریان‌شناسی در سطح حوزه‌های علمیه و مراکز آموزش عالی به منظور تربیت نخبگان جریان‌شناس در کشور.
* تعمیق معرفت نسبت به جریان‌های فرهنگی ایران با نگاه کلان برای مدیران، کارشناسان فرهنگی و دیگر اقشار جامعه.

* برگزاری کارگاه‌هایی در انتقال نتایج پژوهش مدل جریان‌شناسی فرهنگی در کشور با حضور مدیران و کارشناسان فرهنگی دستگاه‌های فرهنگی کشور.

* تدوین برنامه‌های ویژه در رسانه ملی به منظور تولید برنامه‌های رسانه‌ای در عرصه جریان‌شناسی به منظور ارتقای آگاهی ملی نسبت به جریان‌های گوناگون کشور.

* بررسی و مطالعه ضروری برای شناسایی و ترسیم وضع موجود و نیز ترسیم دورنمای تحولات جریان‌های فرهنگی کشور.

* تشکیل هسته‌ها و حلقه‌های علمی جریان‌شناسی از سوی دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و نهادها و دستگاه‌های فرهنگی کشور.

(ب) پیشنهادات پژوهشی

* بررسی‌های به عمل آمده در این تحقیق نشان می‌دهد حساسیت شناخت جریان‌های فرهنگی در کشور، به‌ویژه در حوزه برنامه‌ریزی فرهنگی برای اقشار و سطوح مختلف جامعه نیازمند توجه بیشتر به مطالعات نظری و میدانی است. این در حالی است که انجام کار پژوهشی در این زمینه بندرت دیده می‌شود. لذا انتظار می‌رود علاقمندان به حوزه جریان‌شناسی همت خود را متوجه حوزه‌های مختلف جریان‌شناسی (فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی) نمایند.

* پیشنهاد می‌شود هر یک از ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های طرح شده در این پژوهش در قالب تحقیقات جداگانه مورد بررسی جزئی و دقیق‌تری قرار گیرد.

* توصیه می‌شود چگونگی و میزان نفوذ هر یک از جریان‌های کشور در فضای عمومی جامعه و نیز در اقشار و صنوف خاص مثل اساتید، دانشجویی، دانش‌آموزی و امثالهم می‌تواند موضوع تحقیق کیفی و پیمایشی باشد که پژوهشگران علاقمند و دلسوز می‌توانند در قالب پژوهش‌های مستقل بدان اهتمام داشته باشند.

* پیشنهاد می‌شود پیاده‌سازی و اعمال مدل جریان‌شناسی فرهنگی پس از انقلاب اسلامی با استفاده از ابزارهای علمی در جهت جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات مورد نیاز تدوین و اجرای آن طی یک پژوهش مستقل انجام شود.

* توصیه می‌شود اعتبار سنجی الگوی جریان‌شناسی فرهنگی مطرح شده در این پژوهش در سطحی وسیع‌تر (نهادها و دستگاه‌های فرهنگی کشور) انجام شود.

منابع

- آشنا، حسام‌الدین؛ روحانی، محمدرضا (۱۳۸۹)؛ «هویت فرهنگی ایرانیان از رویکردهای نظری تا مؤلفه‌های بنیادی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره سوم، ش ۴، زمستان.
- اسکندری، مجتبی (۱۳۸۶)؛ *تبیین الگوی تصمیم‌گیری و سیاستگذاری امام خمینی (ره)*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- ایازی، سیدمحمد (۱۳۷۸)؛ *شناخت نامه تفاسیر*، قم: کتاب مبین.
- بهشتی‌نژاد، مهدی؛ شعبانی‌سارویی، رمضان؛ فیلی، ایرج (۱۳۸۹)؛ *بررسی میانی، اصول و مدل ساماندهی دستگاه‌های فرهنگی کشور*، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بومر، فرانکلین لوفان (۱۳۸۰)؛ *جریان‌های بزرگ در تاریخ اندیشه غربی*، حسین بشیریه، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، تهران.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۹)؛ *جریان‌شناسی سیاسی*، تهران: معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- حجاری طاهری، علی‌اکبر؛ «جریان‌های سیاسی ایران»، *مجله یاد*، ویژه‌نامه احزاب سیاسی در ایران.
- حجاریان، سعید (۱۳۸۰)؛ *از شاهد قدسی تا شاهد بازاری*، تهران: طرح نو.
- خسروپناه عبدالحمین (۱۳۹۱)؛ *مصاحبه*، سایت تحلیلی جریان‌شناسی دیدبان.
- ----- (۱۳۸۹ الف)؛ *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر*، قم: تعلیم و تربیت اسلامی.
- ----- (۱۳۸۹ ب)؛ *جریان‌شناسی ضدفرهنگ‌ها*، قم: تعلیم و تربیت اسلامی.
- دارابی، علی (۱۳۸۸)؛ *جریان‌شناسی سیاسی در ایران*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رهدار، احمد (۱۳۸۶)؛ «گفتارهای پریشان»، *فصلنامه ۱۵ خرداد*، دوره سوم، س ۴، ش ۱۲.
- ----- (۱۳۹۱)؛ «تأملاتی در نسبت ورزش مدرن و اخلاق»، *ماهنامه فرهنگ عمومی*، س ۲، ش ۱۳، شهریور.
- سبحانی، محمدتقی (۱۳۷۵)؛ *فصلنامه نقد و نظر*، ش ۴۳-۴۴.
- شعبانی‌سارویی، رمضان (۱۳۸۶)؛ *جریان‌شناسی سیاسی - فرهنگی ایران*، سازمان بسیج دانشجویی.
- ----- (۱۳۸۹)؛ *جریان‌شناسی سیاسی فرهنگی ایران*، قم: اعتدال.
- طالقانی، سیدعلی (۱۳۸۴)؛ خبرگزاری فارس یکشنبه ۹ بهمن، به نقل از: *مجله حوزه*، ش ۱۱۹.
- غمامی، سیدمحمدعلی (۱۳۹۱)؛ «روش‌شناسی جریان‌شناسی»، *ویژه‌نامه الکترونیکی جریان‌شناسی و بایسته‌های مفهومی و روشی*، پایگاه تبیینی و تحلیلی جریان‌شناسی دیدبان، صص ۲-۱۲.
- فراتی، عبدالوهاب (۱۳۸۹)؛ *روحانیت و تجدد با تأکید بر جریان‌های فکری سیاسی حوزه علمیه قم*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- قائمی‌نیا، علی‌اصغر؛ موسوی‌ثمرین، سیدسعید (۱۳۹۰)؛ *شناخت جریان‌های فعال اقتصادی در ایران*، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های سازمان بسیج دانشجویی، ص ۸.
- قربانی‌گلشن‌آباد، محمد (۱۳۹۰)؛ «فرهنگ و تهاجم فرهنگی»، سازمان عقیدتی سیاسی ناجا، معاونت سیاسی.
- فوجانی، محمد (۱۳۷۹)؛ *بقیه سفیدها جامعه‌شناسی نهادهای مدنی در ایران امروز*، نقش و نگار.
- کیوی ریمون، کامپنهود لوک وان (۱۳۷۰)؛ *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، ترجمه عبدالحمین نیک‌گهر، تهران، فرهنگ معاصر.

- مظفری، آیت (۱۳۸۵): *جریان‌شناسی سیاسی ایران معاصر*، پژوهشکده تحقیقات اسلامی قم.
- معلمی، حسن (۱۳۷۸): *نگاهی به معرفت‌شناسی در فلسفه اسلامی*، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- میرسلیم، سیدمصطفی (زیرنظر) (۱۳۸۴): *جریان‌شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران*، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- میرمحمدی، داود (۱۳۸۳): *هویت ملی در ایران*، مؤسسه مطالعات ملی، ص ۸.
- نجفی، م. (۱۳۸۵): *تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- نقشه مهندسی فرهنگی کشور (۱۳۹۲): دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

